

# گفتگو با خسرو سلجوقی، مشاور وزارت ارتباطات: نگاه امنیتی به بومی‌سازی ضربه زد - دیجیاتو

امیر مستکین | یکشنبه، ۰۳ تیر ۱۳۹۷

می‌گویند از ۴ سالگی کار کردن را آغاز کرده و حتی امروز که پا به سن گذاشته هم از ساعت ۵.۳۰ صبح شروع به کار می‌کند تا ساعت ۱ بامداد. «خسرو سلجوقی» با قطاری از عناوین مختلف در سازمان‌های دولتی متفاوت طی چند دهه گذشته، پس از بازنشسته شدن در سال ۸۶، در دولت یازدهم با اصرار همکاران قدیمی‌اش به سازمان فناوری اطلاعات ایران بیاید و چندین مسئولیت مهم را بر عهده بگیرد.

او با برنامه «تکفا» در سال ۱۳۸۰ وارد مقوله ارتباطات و فناوری اطلاعات می‌شود؛ برنامه‌ای که رویکرد پژوهشی و مشارکتی داشته و از آن به‌عنوان دوران طلایی فناوری اطلاعات ایران یاد می‌کنند. سلجوقی در دولت یازدهم به سازمان فناوری اطلاعات ایران می‌آید تا به گفته خودش برنامه‌ای مشابه با تکفا را دوباره تکرار کنند اما دیگر شرایط چندان برای تکرار این دوره مهیا نیست و «نشد تا این تکرار صورت بگیرد».

سلجوقی امروز یک کارآفرین اجتماعی است و بخشی از زمان خود را برای تحقیق و پژوهش صرف می‌کند. دیگر خودش به دنبال کسب درآمد از ایده‌هایش نیست و وقتی به اتاقش در طبقه ششم ساختمان اصلی سازمان فناوری اطلاعات ایران می‌رویم، با انبوهی از قاب‌ها، تندیس‌ها و عکس‌های یادگاری مواجه می‌شویم اما در کنار آن‌ها موارد عجیب‌تری هم وجود دارند؛ از گیاههایی که حالت یک سد طبیعی را بازی می‌کنند تا دستگاهی که پس از ۲۴ ساعت فاضلاب منزل را تصفیه می‌کند؛ دستگاهی که در سال ۸۷ آن را مقابل «احمدی‌نژاد» قرار می‌دهد و رییس‌جمهور وقت هم دستور می‌دهد که این سامانه باید در تمام خانه‌های جدید نصب شود اما به گفته سلجوقی مافیا اجازه این کار و البته به نتیجه رسیدن طرح را تاکنون نداده است:



«نزدیک به ۵۰ پروژه دارم که می‌توانند ایران را تبدیل به بهشت روی زمین کنند. دستگاه تصفیه فاضلاب را در سال ۸۷ رو در روی آقای احمدی‌نژاد قرار دادم و کارکردش را در منازل توضیح دادم. اگر از چنین سامانه‌ای در تهران استفاده نکنیم خیانت است و باید مانند به‌کارگیری پنجره دوجداره در خانه‌ها استفاده از این سامانه اجباری شود. به دو وزیرش هم دستور پیگیری داد اما

اما خسرو سلجوقی جدا از تمام ایده‌هایش، یک لقب جذاب دارد به نام «سلطان کرم ایران». در سال ۸۶ پس از اولین دوره بازنشستگی‌اش، به سراغ فعالیت کارآفرینی اجتماعی می‌رود و یکی از پروژه‌هایش هم کرم‌های زباله‌خواری هستند که امروز حتی در باغچه حیاط پشتی سازمان فناوری اطلاعات ایران هم وجود دارند. او پروژه‌هایش را به شکل زنجیروار طراحی کرده و حتی پسماندی که از دستگاه تصفیه فاضلاب باقی می‌ماند و سالی یک بار نیاز به تخلیه دارد را هم قرار است کرم زباله‌خوار بخورد.



سلجوقی می‌گوید فکر کنم مهندس جهرمی هنوز خبر ندارد که در باغچه حیاط پشتی سازمان فناوری اطلاعات ایران کرم‌های زباله‌خوار وجود دارد اما دکتر محمود واعظی، وزیر سابق ارتباطات و فناوری اطلاعات از موضوع آگاه بوده و حمایتش کرده است: «دکتر واعظی به شوخی در جلسات رو به من می‌گفت این آقا ادعا دارد کرم دارد، اما کرم ندارد. سپس رو به بقیه می‌گفت شماها چطور؟!»

اما فارغ از این طرح‌ها و ایده‌ها، پس از حضور سلجوقی در سازمان فناوری اطلاعات ایران، طرح‌های مختلف و مهمی به او سپرده شده‌اند. طرح‌هایی که عنوان «بومی‌سازی» در آن‌ها زیاد به چشم می‌خورد؛ از جویسگرهای بومی گرفته تا ۱۰ برابر کردن تولید محتوای داخلی، تدوین لایحه برای مالکیت معنوی و حالا هم اینترنت کودک؛ با این حال رویکردی که او در این دوران داشته متفاوت از بیشتر همکارانش و مسئولین بوده است. درحالی‌که همیشه در بحث بومی‌سازی «امنیت» کلیدواژه بسیاری از مسئولین است، او عقیده دارد که باید اقتصاد را در اولویت قرار داد و جلو رفت.

وقتی می‌پرسم علاقه خودش بیشتر به بومی‌سازی بوده یا این‌ها پروژه‌هایی بوده‌اند که به او سپرده شده‌اند می‌گوید که هر دو عامل مؤثر بوده‌اند:

«اعتقاد دارم ما برای اینکه متناسب با وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور حرکت کنیم، بعضی جاها نیاز داریم تا با بومی‌سازی جلو برویم. به‌رحال ما در کشوری زندگی می‌کنیم که با جامعه جهانی تضاد فرهنگی داریم. همین باعث شده که مقوله بومی‌سازی جدی باشد. از طرفی امروز مسائل اقتصادی و امنیتی هم به دنبال دارد. چین، کره جنوبی، روسیه و بخشی از اروپا در بخش نرم‌افزاری به موازات شرکت‌های بزرگ آمریکایی برای خودشان بومی‌سازی کرده‌اند. سخت‌ترین آن‌ها هم موتور جستجو است. در این کشورها بحث تضاد فرهنگی مانند کشور ما مطرح نیست ولی توجه‌شان به مسائل اقتصادی و امنیتی بوده است؛ مخصوصاً اقتصادی.»

بزرگ‌ترین مزیت چنین مواردی، اقتصاد است و اگر بلد باشیم از آن استفاده کنیم برده‌ایم و اگر بلد نباشیم، باختیم. از نظر من مسائل فرهنگی و امنیتی در درجه بعدی اهمیت هستند هرچند

بعضی‌ها می‌خواهند این دو مورد را بیشتر بزرگ‌نمایی کنند. در بحث «مه داده» (Big Data) ثروت زیادی خوابیده که غرب به‌خوبی دارد از آن استفاده می‌کند. به همین دلیل است که کره جنوبی، روسیه و اروپا به این موضوع پی برده‌اند و به‌موازات محصولات غربی مشغول توسعه و بومی‌سازی نرم‌افزارها و سکوها می‌باشند.

متأسفانه بومی‌سازی ابتدا از بُعد امنیتی مطرح شد و همین یک مقاومتی را [بین کاربران] ایجاد کرد. سپس از بُعد فرهنگی مطرح شد که بازهم مقاومت را بیشتر کرد. امروز اگر بگوییم بومی‌سازی از بُعد اقتصادی مورد نیاز و مهم‌تر است کسی باورش نمی‌شود. این نکته‌ی فراموش‌شده است و من همیشه از این زاویه به مسئله نگاه کرده‌ام. اینکه شما می‌گویید خودم علاقه داشتم یا به من سپرده شده، هر دو بوده. زمانی که راهبری جویسگر بومی به من سپرده شد، به فعالین این حوزه گفتم که من اعتقاد ندارم که ما پول بدهیم و شما بروید جویسگر درست کنید. بروید برنامه کسب‌وکار درست کنید تا ببینیم چکار می‌خواهید بکنید؟

سه شرکتی که روی این موضوع کار می‌کردند بالاخره کم یا زیاد یک برنامه کسب‌وکاری را تهیه کردند. نکته بعدی که مطرح کردم این بود که به آن‌ها گفتم نگاه شما، کل‌نگر نیست. به همین دلیل فقط می‌گویید جویسگر. در صورتی که کافی است به خدمات جانبی گوگل نگاه کنید. اسم طرح، جویسگر بومی بود اما ما هم به دنبال آن رفتیم تا ۴۰ خدمت را ارائه دهیم که بخش زیادی از آن‌ها عرضه شد. بحث دیگری که با آن مواجه شدیم، دیدیم شرکت‌های زیاد کوچکی داشتیم که با هم رقیب بودند. برای مثال سه شرکت در زمینه جویسگر فعال بودند، پنج شرکت خدمات رایانامه انجام می‌دادند، سه شرکت کار ترجمه را به پیش می‌بردند و چهار شرکت هم فعالیت نقشه‌خوانی را شروع کرده بودند.

مقوله **خوشه اقتصادی** بهترین راه برای کشور ما جهت عبور از کار جزیره‌ای است. خوشه اقتصادی مجموعه‌ای از شرکت‌های کوچک و رقیب است که عضو خوشه می‌شوند. ما هم تا دلتان بخواهد هم رقیب داشتیم و هم شرکت کوچک. با قرار گرفتن این شرکت‌ها در خوشه اقتصادی، هزینه‌های آن‌ها به شدت کاهش پیدا می‌کند چراکه در واقع همین هزینه‌ها بین شرکت‌ها تقسیم و تسهیم می‌شود. مخصوصاً هزینه‌های تحقیق و توسعه. ما در انتهای این طرح به سمت خوشه‌های اقتصادی حرکت کردیم اما متأسفانه به دلیل عدم ثباتی که در مدیریت وزارت ارتباطات بود [خروج واعظی و ورود جهرمی]، این موضوع مدتی متوقف شد. حالا هم دیگر طرح جویسگر متوقف شده است. در هر صورت ولی من بیشتر نگاه اقتصادی به مسئله داشتم.»

**دیجیاتو: چقدر هزینه صرف ساخت سامانه عامل ملی شد و در نهایت سرانجامش چه بود؟**



**خسرو سلجوقی:** سال ۱۳۸۰ در سازمان برنامه و بودجه و شورای عالی اطلاع‌رسانی برنامه‌ای تصویب شد به نام «برنامه توسعه و کاربری فناوری اطلاعات» که تحت عنوان «تکفا» مشهور است. در این

برنامه قرار بر این شد تا فناوری متن‌باز توسعه پیدا کند و پروژه‌هایی کلیدی شروع به کار کردند. می‌خواستیم فونت فارسی و تاریخ شمسی را به کتابخانه متن‌باز اضافه کنیم. این‌ها پروژه‌های زیربنایی و کلیدی بود که در سال ۸۰ کلنگ آن زده شد. تا قبل از آن تاریخ، تاریخ شمسی و فونت فارسی وارد متن‌باز نشده بود. در سال‌های بعد مقوله سامانه عامل هم اضافه شد.

آن موقع پول آن‌چنانی نداشتیم اما نتایج خوبی گرفته شد. کل اعتبار پروژه متن‌باز مبلغ ۳۹۹ میلیون تومان بود. در دوره آقای احمدی‌نژاد مقوله سامانه عامل بومی مطرح و ۲ نمونه تهیه شد. یک مورد در پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه شد و دیگری در وزارت دفاع. اشکال کار این سامانه عامل ملی این بود که به کار گرفته نشدند و زیر بار نرفتند. نرم‌افزار یک بار مصرف نیست که شما آن را درست کنید و بدهید استفاده کنند.

پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات هم کار اقتصادی انجام نمی‌دهد پس عملاً خروجی آن هم از دیدگاه من کتابخانه‌ای است. نمی‌دانم هزینه‌ای که برای این سامانه عامل ملی شد چقدر بود چون کلاً در دوره احمدی‌نژاد انجام شد. پس از اینکه سامانه عامل آماده شد گفتیم آن را به شرکتی خصوصی بدهید تا پشتیبانی‌اش کند. وقتی سامانه عامل‌های متن‌باز رایگان در سطح جهانی وجود دارد، نمی‌شد دائم به یک شرکت پول داد تا آن را پشتیبانی کند.

روش آخری که شاید می‌توانست موفق باشد این بود که یک سری انجمن‌های کدنویسی و متن‌باز تأسیس می‌شد. در سال ۸۰ تصمیمش را داشتیم که انجمن‌هایی را در این حوزه شروع کنیم اما مقاومت‌هایی شد. در حال حاضر و دوباره سه سال است که تلاش می‌کنیم این انجمن ثبت شود و این نوع کارها را جلو ببرد. این‌گونه انجمن‌ها غیرانتفاعی هستند و سعی می‌کنند از طریق اعضای خود کار را جلو ببرند.

### **اگر به عقب برمی‌گشتید آیا پروژه را به شکل دیگری جلو می‌بردید؟**

روشی که از ابتدا دنبالش بودیم تشکیل انجمن بود تا متخصصان روی این پروژه‌ها تمرکز کنند. معتقدم اگر این اتفاق می‌افتاد پروژه متن‌باز پیشرفت بهتری می‌کرد و حالا هم با به تأخیر افتادن آن، هنوز جواب مثبتی نگرفته‌ایم. دولت با پول‌هایی که گذاشت جواب نگرفت، بخش خصوصی هم فعلاً برایش اقتصادی نیست چون در ایران مالکیت معنوی نداریم.

### **آیا ایران در نهایت به یک سامانه عامل بومی یا ملی نیاز دارد؟**

با توجه به نگاه اقتصادی، هرچقدر جلوتر می‌رویم، نگاه امنیتی هم مطرح می‌شود که نشان می‌دهد بالاخره از طریق کدها، دسترسی به اطلاعات وجود دارد. یکی از نکاتی که باید به آن توجه کرد این است که بسیاری از این پروژه‌های نوآور در بخش نظامی طراحی شده و سپس به بخش غیرنظامی وارد شده‌اند. باید به این تاریخچه توجه کنیم اما در هر صورت داشتن یک سامانه عامل بومی بهتر از نداشتن آن است.

**نسل نوجوان امروز دارد با شبکه‌های اجتماعی خارجی که اتفاقاً کیفیت بالایی دارند رشد می‌کند.**

ما هم که تازه‌وارد ۳۰ سالگی شدیم، باز همین شرایط را داشتیم و اینترنت برای ما با یاهو و گوگل شروع شد. وقتی کسی این‌طور رشد می‌کند می‌توان انتظار داشت که قادر باشیم ذائقه‌اش را عوض کنیم و او را متقاعد به استفاده از یک خدمت بومی کنیم که کیفیت کمتری نسبت به نمونه خارجی دارد؟



تا زمانی که به کاربرد جهانی نرسیده‌ایم باید کاربرد داخلی آن را توسعه دهیم. ما امروز خودروی داخلی داریم و خودروی خارجی هم داریم. تعدادی از افراد پورشه سوار می‌شوند و مانعی هم ندارد، اما همه ۸۰ میلیون پورشه سوار نیستند. به خاطر اینکه همه جامعه را پوشش دهیم نمی‌توانیم بگوییم پراید یا پیکان درست نکنیم چون پورشه ماشین زیبایی است. اینجا هم مشابه همین است؛ باید نرم‌افزارهای داخلی را توسعه دهیم و از سنین کودکی هم به آن‌ها بپردازیم؛ اما قبول داریم که این تغییر سخت است.

مثال شما در دنیای واقعی و برای بحث خودرو نمود دارد اما ذات اینترنت به این شکل است که خدمات را به شکل یکسان در اختیار همه قرار می‌دهد. در نتیجه هر کس که بتواند به یک خدمت داخلی دسترسی داشته باشد، می‌تواند از نمونه خارجی‌اش هم استفاده کند؛ مگر اینکه بسته شود.

سؤال اینجا است که ما باید به چه دلیل محدودیت ایجاد کرده یا تشویق کنیم. به نظر من تشویق واجب‌تر از ایجاد محدودیت است. در مورد پیام‌رسان، نگاه من، نگاه اقتصادی بود. حالا اگر بخواهیم در همین اتاق به هم پیام بدهیم، در پیام‌رسان داخلی، در داخل ایران پیام ردوبدل می‌شود و بابت اینترنت بین‌الملل دلاری خرج نمی‌شود. پس این، از نظر اقتصادی برای ما خوب است و بیایید اصلاً به بحث امنیت نپردازیم. از طرفی برای کسانی که خود پیام‌رسان را ایجاد کرده‌اند اشتغال ایجاد می‌شود؛ اما اگر چنین چیزی نداشته باشیم چند اتفاق می‌افتد. کسی که آن طرف آب نشسته مرکز داده داری می‌کند، نرم‌افزار می‌نویسد و ما داریم پول او را می‌دهیم و به توسعه‌اش کمک می‌کنیم. وقتی این‌طور به موضوع نگاه کنید عقلانی به نظر نمی‌رسد.

باز هم بیایید وارد بحث امنیت نشویم. معتقدم اگر با مردم رو راست باشیم، خود مردم اقتصاد را بهتر متوجه می‌شوند. نکته بعدی این است که در تغییر رفتار جامعه دو روش وجود دارد. در روش اول، باید دانش افراد را تغییر داد تا نگرش افراد دستخوش تغییر شود. با این فرآیند رفتار فردی و سپس رفتار جمعی تغییر می‌کند. این مسیر زمان‌بر اما پایدار است.



روش دیگر زمان کوتاه‌تری نیاز دارد اما ناپایدار است. برای مثال یک قانون جدید می‌گذاریم و می‌گوییم باید اجرا شود. رفتار فردی و جمعی عوض می‌شود اما چون نگرش و دانش تغییر نکرده، همچنان فرد تلاش می‌کند تا به رفتار گذشته‌اش برگردد. من معتقد هستم همزمان باید از هر دو طرف اقدام کنیم. در واقع هم تنبیه و هم تشویق. یک سمت قضیه می‌شود فیلتر کردن و یک طرف دیگرش هم می‌شود تشویقی که برای مثال در این نمونه، صفر شدن هزینه ترافیک پهنای باند

است. مجبوریم از این دو مسیر جلو برویم.

## اما مسیری که بیشتر از آن استفاده می‌شود کدام است؟

متأسفانه بخش عمده‌ای از سیاست‌گذاران این مملکت مسیر تنبیه یا سلبی را انتخاب می‌کنند. به همین دلیل کاربران به سراغ فیلترشکن می‌روند و هزینه‌های بیشتری به کشور تحمیل می‌شود. از طرف امنیتی هم ضربه بیشتری می‌خوریم.

با همه این تفاسیر خدمتی به نام گوگل وجود دارد که خدمات با کیفیتی را ارائه می‌دهد. وقتی کیفیت ما در حدی نباشد که به آن برسیم، هرچقدر هم از روش تشویقی و پایدار استفاده کنیم، آیا می‌توانیم جواب بگیریم؟

من این موضوع را رد نمی‌کنم. به‌هرحال بخشی از کیفیت از دست می‌رود. احتمالاً شما در کشور کره جنوبی هم بخشی از این کیفیت را از دست می‌دهید. در کره جنوبی می‌گویند شما نمی‌توانید از گوگل استفاده کنید. ما می‌خواهیم هم خدمت داخلی باشد و هم خارجی، اما طبیعتاً باید آثار و تبعات اقتصادی و امنیتی آن را هم پذیرفت؛ اما عقیده داریم هرچقدر بیشتر از این خدمات استفاده شود کیفیت آن‌ها هم افزایش پیدا می‌کند.

**بتر نبود عرضه این سرویس‌های بومی در زمانی رخ می‌داد که کیفیت‌شان به حد قابل قبولی رسیده باشد؟**

نمی‌شود. هیچ موقع چنین ساختاری شدنی نیست. در هر مرحله‌ای که هستیم باید عرضه کنیم و خداوند نسخه (Version) را برای همین آفریده که ما بعداً بتوانیم نسخه‌های بعدی را منتشر و کیفیت را افزایش دهیم. تاریخچه تلگرام یا گوگل را ببینید؛ هیچ‌کدام روز اول همینی که امروز هستند نبوده‌اند.

**هدف دولت یازدهم برای از سرگیری پروژه جویسگر بومی چه بود؟ بحث‌های امنیتی مد نظر بود یا کنترل Big Data؟**

در سال ۹۳، زمانی که مسئولیت راهبری جویسگرهای بومی به من سپرده شد، اختلافی میان معاونین وزارتخانه وجود داشت و بخش عمده‌ای از معاونین نگاهشان این بود که پول دادن بابت این کار، هزینه دور ریختن است. این اختلاف باعث شد تا یک تصمیم قطعی گرفته شود. در آن زمان اگرچه به‌جز یکی دو نفر از معاونین، همه مخالف بودند اما درنهایت خود وزیر (دکتر محمود واعظی) موافقت کرد که طرح ادامه پیدا کند و برایش هزینه شود.

در قانون برنامه الزام شده بود که باید برای پروژه‌های پایه‌ای هزینه کنیم و برنامه داشته باشیم. در مقوله شبکه ملی اطلاعات هم جویسگر بومی به‌عنوان یکی از خدمات پایه‌ای برشمرده شده بود. از نظر سیاسی هم اختلافاتی با غرب وجود دارد و این ابزار می‌تواند مفید واقع شود. از نظر علمی هم از این ابزار استفاده می‌شود. امروز خود گوگل مدعی است که وقتی شما پنج رایانامه ارسال کنید، در رایانامه ششم می‌تواند به‌جای شما تصمیم‌گیری کند و پاسخ دهد. پس به نظر می‌آید که

آثار سیاسی و اجتماعی خواهد داشت. برای مثال امروز نقشه‌خوان گوگل دیگر به کسب‌وکارهای ایرانی خدمت نمی‌دهد. اگر یک روز همه خدماتشان را به روی ما بستند چه؟ ما باید همان پیکان یا پراید اولیه را داشته باشیم.

**آقای واعظی در همان زمان گفتند که ۱۷۰ میلیارد تومان بودجه برای جویشرهای بومی اختصاص داده می‌شود. تا جایی که من اطلاع دارم چیزی در حدود ۱۰ درصد از این بودجه هزینه شد. این هزینه‌ها در چه زمینه‌ای انجام شد؟ از طرفی چرا از شرکت‌های خصوصی این‌طور حمایت شد؟**

بله کمتر از ۱۰ درصد این رقم هزینه شد. این شرکت‌ها خصوصی بودند اما اگر کمک بلاعوض به آن‌ها داده نمی‌شد، محل فروشی نداشتند. گوگل هم البته از دولت پول نمی‌گیرد، اما اطلاعات کاملی به دست آورده و حالا آن را می‌فروشد. هنوز شرکت‌های خصوصی این حوزه به حجمی از داده برای فروش دست پیدا نکرده‌اند و از طرفی بازار فروش داده را هم نمی‌شناسند. برای مثال خدمتی مانند گوگل شاید از جوک‌هایی که مردم برای هم تعریف می‌کنند، بتواند تحلیل کند که حالا مردم ایران منتظر هستند که برجام لغو می‌شود یا می‌ماند. از جوک مردم تصمیم‌گیری‌های کلیدی می‌شود و قابلیت استفاده از این داده‌ها برای مذاکره وجود دارد و این مسائلی است که غرب به‌خوبی نوع استفاده از آن را می‌داند؛ اما خدمات داخلی جستجو، هیچ‌کدام به این دانش و این تسلط نرسیده‌اند.

**آیا با کمک بلاعوضی که به آن‌ها شد، به یادگیری نزدیک شدند؟**

به نظر من کافی نبود اما در حدی که بخور و نمیر بتوان آن‌ها را نگه داشت، بله.

**پس به نظر شما ایراد کارشان کجاست؟**



دو مشکل بزرگ دارند. مشکل اول این است که برنامه و طرح اقتصادی ندارند و نمی‌دانند داده‌های خود را چگونه مصرف کنند و بفروشند. مشکل بعدی، در انجام کار تیمی و یکپارچه است که آن را بلد نیستیم. برای راه‌اندازی خوشه‌های اقتصادی در دنیا، به اولین چیزی که نیاز دارند سرمایه اجتماعی بالاست. در کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته، این سرمایه اجتماعی پایین است. به همین دلیل نقش دولت‌ها، انجام سزارین است. در این بخش هم دولت باید نقش سزارین‌کننده را بازی کند.

زمانی که راهبر جویشرهای بومی شدید، تصورش را می‌کردید که چند سال بعد بگویند که این طرح باید برای اینترنت کودکان استفاده شود؟ به نظر می‌رسید ابتدای کار، بحث جویشر فراگیرتر از این‌ها باشد. طبیعتاً دولت هم تصمیم نداشت برای موتور جستجوی کودکان ۱۷۰ میلیارد تومان هزینه کند.

کاملاً همین‌طور است. امروز به‌عنوان یک استفاده‌ی دوم داریم به این شکل بهره‌برداری می‌کنیم نه به‌عنوان هدف اولیه و حرف شما درست است. روزهای اول نگاه این بود که پروژه جویشر بومی

فراگیر باشد.

**تصور نمی‌کنید در گذشته یک زمان و دوره طلایی برای حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی وجود داشت که امروز دیگر از دست رفته؟**

موافقم. حتی معتقدم زمانی که ما همه پیام‌رسان‌ها را بستیم و به یکی اجازه فعالیت داده شد، انحصار به وجود آمد و یک نمونه به شکل غیرطبیعی بزرگ شد. خود این بزرگ‌ترین ضربه بود. همان موقع اگر چند پیام‌رسان خارجی وجود داشت شاید چند میلیون کاربر از هرکدام از این‌ها استفاده می‌کرد و انحصاری هم اتفاق نمی‌افتاد. یک گول درست شد و از قبل هم‌فکری برای آن نشده بود و حالا هم عبور کردن از آن راحت نیست.

**چند پیام‌رسان داخلی داریم که از سال‌ها پیش در حال کار هستند. چرا همان زمان حرفی از حمایت نبود و چرا در انتهای سال پیش به یک باره شور اعدام تلگرام، مسئولین را گرفت و سپس به پیام‌رسان‌های داخلی وام داده شد که نتیجه‌اش هم مشخص است.**

برداشت من این است که یک کار سیاسی بود که روی آن به اندازه کافی فکر نشده بود. تاریخچه ایران نشان می‌دهد که ما در برابر ورود هر نوع فناوری مقاومت عجیبی داریم. تلویزیون، رادیو، ماهواره، ویدیو و... بعدش هم واداده‌ایم. حالا علاوه بر مقاومت فرهنگی که وجود دارد، مقاومت سیاسی هم به آن اضافه شده. دو رویکرد سلبی و ایجابی در خصوص اینترنت در کشور حاکم است. هر دو هم اینترنت سالم می‌خواهند، اما روش‌های متفاوتی دارند. سلبی می‌گوید فعلاً پاکش می‌کنیم و دسترسی را قطع می‌کنیم تا اگر سالم را پیدا کردیم جایگزینش کنیم. رویکرد ایجابی اما می‌گوید می‌توان همانی که می‌آید را مناسب‌سازی کرد و ارائه داد.



در این دعوای سیاسی، تصمیم‌گیری عقلانی از بین می‌رود. برای مثال عملکرد شورای عالی فضای مجازی در دور اولش مناسب نبود. بیشتر درگیری سر ساختمان و گرفتن فضای فیزیکی بود تا تصمیم‌گیری برای فضای مجازی. این نشان می‌دهد که بزرگان این مملکت جمع شده‌اند تا تصمیم کلیدی بگیرند، بعد افرادی که آنجا هستند دعوای جا و مکان می‌کنند. این در حالی است که این شورا به حدی اهمیت دارد که خود رهبری در مضمونی اعلام می‌کنند من اگر مسئولیت نداشتم خودم مسئولیت این موضوع را بر عهده می‌گرفتم. از همین‌جا می‌شود پی برد که موضوع آشفته‌تر از این‌هاست.

**شما چند پروژه بومی‌سازی را راهبری کرده‌اید و به دلایلی، استقبال فراگیری که انتظار می‌رفت از این خدمات نشد. به نظرتان مشکل کاربران با خدمات بومی، مخصوصاً پیام‌رسان‌ها چیست؟**

بالاخره رفتارهای سیاسی جامعه باعث شده تا امروز شما همان مقدار که به سمت اخبار داخلی می‌روید، به اخبار خارجی هم مراجعه کنید. یا همان مقدار که به صداوسیما ملی اعتماد دارید، همان قدر هم به صداوسیما خارجی اعتماد کنید. همین آثار به مقوله پیام‌رسان‌ها هم کشیده شد.



نکته بعدی این است که در اینجا یک بزرگنمایی و زمینه‌سازی اتفاق افتاد؛ می‌بندیم و نمی‌بندیم، اینکه انگشت روی فیلتر می‌رود یا نمی‌رود. خود این مسائل هم به موضوع دامن زد؛ اما مجموعه‌ای از عوامل مختلف این پروژه را با مقاومت بیشتری مواجه کرد. مدل تغییر با استفاده از دانش و نگرش که قبلاً توضیح دادم مطرح نشده بود. از طرفی فیلتر انجام شد و به جای آن چیز مناسبی هم تهیه نشده بود. نه تنها قابل رقابت نبود، اوایل خدمت خوبی هم از سمت پیام‌رسان‌ها ارائه نمی‌شد، هرچند اکنون وضعیت بهتر شده است. عوامل زیادی دست‌به‌دست هم داد تا به اینجا رسیدیم.

**وزارت ارتباطات از یک نقطه‌ای به بعد تصمیم گرفت به جویسگرهای بومی کمک بلاعوض نداشته باشد. آیا این طرز فکر باعث شد تا رویکرد وام دادن به پیام‌رسان‌های داخلی مطرح شود؟ و البته آیا وام دادن به خدمتی که نحوه درآمدزایی‌اش مشخص نیست درست است؟**

وقتی می‌گوییم وام می‌دهیم، باید برنامه کسب‌وکاری وجود داشته باشد تا بدانیم پول برمی‌گردد یا برنمی‌گردد. اگر برنامه کسب‌وکار وجود ندارد و وام داده می‌شود، این همان کمک بلاعوض است و خیلی نمی‌توان به آن گفت وام.

**اما امروز بحث این است که باید مبلغ وام به ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان برسد.**

این اسمش وام است اما در حقیقت وام نیست و وقتی برنامه کسب‌وکار وجود نداشته باشد برگشتنش هم بعید است. برداشت من این است که اگر لازم است یک چیز ناقص نگه‌داشته شود، باید پای آن هزینه شود.

**آیا سیاست وام دادن به پیام‌رسان‌ها و سایر پروژه‌های بومی سیاست درستی است؟**

بله؛ نه تنها در ایران بلکه در همه دنیا، پایه و اساس توسعه‌ی کشورها بالأخص صنعت، کشاورزی و خدمات، وام است. در بسیاری از کشورها بین ۷۰ تا حتی ۹۰ درصد هزینه ایجاد یک طرح را وام می‌گیرند؛ اما این وامی است که حتماً برنامه کسب‌وکار دارد، نه بر اساس رابطه گرفته‌شده باشد. این در جهان عرف است و جایی را پیدا نمی‌کنید که بدون وام، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ انجام شود. اگر برنامه کسب‌وکاری وجود داشته باشد، می‌توان به جای ۱۰۰ میلیارد تومان، ۱۰۰۰ میلیارد تومان وام داد. اشکال در این است که برنامه کسب‌وکاری وجود ندارد.

**امروز، به نظر شمايي که مسئولیت ۱۰ برابر کردن تولید محتوای داخلی را بر عهده داشته‌اید، وضعیت تولید محتوای داخلی در کشور چگونه است؟**

خیلی حال خوبی ندارد و علتش هم فقدان مالکیت معنوی است. چون مالکیت معنوی نداریم، اقتصاد محتوا هم فعال نیست. این باعث می‌شود تا تولید محتوا با روند کند پیش برود.

**دو سال پیش گفته بودید که به دنبال ۱۰ برابر کردن تولید محتوای داخلی هستیم. امروز چقدر به این هدف رسیده‌ایم؟**



۲ سال پیش در پروژه‌های اقتصاد مقاومتی، پروژه‌ای مصوب شد به نام ۱۰ برابر کردن تولید محتوای داخلی. زمانی که آن پروژه تعریف شد، روی چند موضوع تمرکز کردیم چون منابعی به ما داده نشد. بیشتر رفتیم روی موضوع تعرفه. با اپراتورها جلسه گذاشتیم و به آن‌ها اثبات کردیم که اگر یک کیلومتر یک کیلویی داشته باشند که صد در صد مال آن‌ها شود نهایتاً یک کیلو کیک دارند؛ اما اگر از یک کیلومتر هزار کیلویی، یک درصد متعلق به آن‌ها باشد می‌شود ۱۰ کیلو.

راه بزرگ‌تر شدن کیک، این است که تولیدکننده‌های محتوا، آثار بیشتری را در اختیار جامعه قرار دهند. تنها راه برای این کار، افزایش درآمد تولیدکننده است. نیاز بود تا قیمت پهنای باند کاهش پیدا کند و کاربران بیشتری از محتوای داخلی استفاده کنند. قرار بود تعداد CDN ها را افزایش دهیم و گردش اطلاعات سریع‌تر شود. از لحاظ رقمی، پیشرفت پروژه در همان سال ۵۶ درصد محاسبه شد و البته پروژه یک‌ساله متوقف شد و در سال دوم ادامه پیدا نکرد.

### به چه علت؟

تشخیص دادند که پروژه‌ی اولویت‌دارشان نیست.

**قبلاً از تدوین لایحه‌ای با عنوان مالکیت معنوی برای ارائه به مجلس خبر داده بودید. اگر این لایحه تبدیل به قانون شود چقدر مسیر تولید محتوا با کیفیت داخلی را هموارتر می‌کند؟**

آن لایحه اکنون در مجلس در دست بررسی و اقدام است؛ اما آیا همان لایحه‌ای که ما دادیم تصویب خواهد شد یا آن‌قدر تغییر کند که تبدیل به شیر بی‌یال و دم شود، نمی‌دانم. من چند تجربه تلخ از لایحه‌هایی دارم که به مجلس رفته‌اند و با ماهیت اولیه‌شان تفاوت کرده‌اند.

برای مثال، جهت حمایت از شرکت‌های کارآفرین یک قانون تهیه کرده بودیم. در واقع قانون حمایت از کارآفرینی. به مجلس رفت و سپس تبدیل شد به قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان. موضوع به کل عوض شد و خروجی آن هم طبیعتاً آن چیزی نبود که انتظار داشتیم و نمی‌دانیم خروجی این لایحه چه خواهد بود.

### فکر می‌کنید نتیجه چه زمان مشخص شود؟

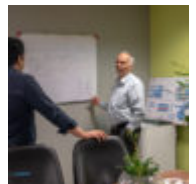
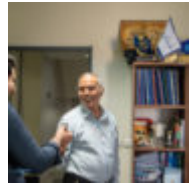
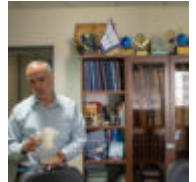
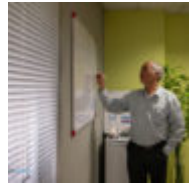


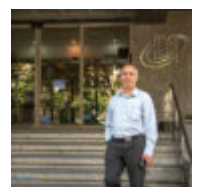
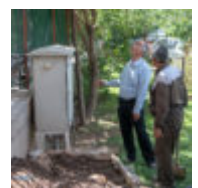
مشخص نیست؛ فرآیندی است که در مجلس طی می‌شود. نه تنها در مجلس، در داخل دولت هم طرح‌هایی بوده که سال‌ها باقی‌مانده. برای مثال اساسنامه شرکت‌های سرمایه‌گذاری جسورانه را سال ۸۴ نوشتیم و به هیات دولت، بورس و وزارت امور اقتصاد و دارایی دادیم و سال ۹۴ تصویب شد. طرح تأمین جمعی سرمایه که اخیراً تصویب شد، چیزی نزدیک به ۴ سال طول کشید.

**اما به نظرتان نیاز نیست تا ابتدا قوانین بین‌المللی حوزه کی‌رایت را رعایت کنیم تا سپس بتوانیم**

## حقوق تولیدکننده داخلی را مطالبه و از آنها حمایت کنیم؟

در سال ۸۲ دادیم یک مطالعه در همین رابطه انجام دادند. سؤال این بود که عدم رعایت کپی‌رایت خارجی منافع برای ما دارد یا ندارد. دقیقاً خروجی آن تحقیق این بود که ما به دلیل عدم رعایت کپی‌رایت خارجی، منافع اقتصادی بسیاری را از دست می‌دهیم و ضرر می‌کنیم.





دیجیاتو